

سیاسی‌سازی فساد تلخ‌تر از چای



زهرا طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

زمان انتشار خبر اختصاص ۷۹ درصد ارز برای تأمین چای مورد نیاز کشور به یک گروه تجاری، اخبار متفاوتی در این رابطه منتشر شده است. بروی‌نمای آنچه سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرده‌است، درحالی‌که تقریباً نزدیک به ۱۰۰ شرکت تولیدی و بازرگانی به واردات چای مشغول هستند، اما عمده واردات و همچنین تخصیص ارز برای واردات چای به یک گروه تجاری اختصاص پیدا کرده‌است. این گروه تجاری از سال ۹۸ تا ۱۴۰۱، مبلغی نزدیک به ۳ میلیارد و ۳۷ میلیون دلار برای واردات چای دریافت کرده است. بخش زیادی از ارز اختصاص داده‌شده به این گروه تجاری اما به واردات چای اختصاص پیدا نکرده است و در بازار آزاد به فروش رفته است. بعد از انتشار این خبر، بازرسی ویژه رئیس‌جمهور اطلاعیه‌ای منتشر کرد و تأکید کرد که فساد و تخلف ارزی رخ داده مربوط به سال ۹۸ و دولت قبل بوده و دولت فعلی آن را کشف کرده و با آن برخورد کرده است. در این اطلاعیه آمده است: «ریشه تخلف و فساد ارزی یک شرکت مطرح در زمینه واردات چای به سال ۹۸ برمی‌گردد و در دولت کنونی به دنبال ارسال گزارش به معاون اول رئیس‌جمهور، دکتر مخبربلافاصله دستور پیگیری موضوع را صادر کردند.» از طرفی برخی این موضوع را مطرح می‌کنند که بخش زیادی از تخلفات صورت‌گرفته توسط این گروه تجاری در دوسال گذشته رخ داده و اتهاماتی رامتوجه وزارت جهاد کشاورزی و مسئولان سابق آن می‌دانند. فارغ از اینکه کدام دولت در ایجاد بستر این رانت مقصر بوده باید به این موضوع پرداخته شود که فساد رخ داده حاصل چه فرآیند و ساختاری است. ساختاری که اصلاح آن صرفاً به تعویض سیاست‌سازان ربطی نداشته و ایده‌های اساسی‌تری را می‌طلبد.

چراغ سبز رانت برای وقوع یک فساد مالی!

به نظرمی‌رسد آنچه کذب در میان دستگاه‌های مسئول و فارغ‌از پیگیری و برخورد با خاطیان این فساد مالی در حال وقوع است تأکید بر این گزاره است که این فساد مالی در زمان مسئولیت آنها اتفاق نیفتاده است و در سمت دیگر ماجرا نیز احزاب و جناح‌های سیاسی در ادامه تسویه حساب‌های سیاسی به دنبال مقصر دانستن مسئولان نزدیک به طیف سیاسی رقیب خود هستند. آنچه برای افکار عمومی از کمترین اهمیت برخوردار است آن است که این فساد مالی در کدام دولت اتفاق افتاده است. می‌توان گفت این موضوع برای افکار عمومی چندان تفکیک‌پذیر نیست. سوالی که در این میان ایجاد می‌شود این است که اساساً چرا این فساد مالی که مستقیماً ناشی از تخلف دستگاه‌های مسئول بوده اتفاق افتاده است؛ اختصاص بخش زیادی از بودجه به یک شرکت تولیدی، آن هم درحالی که ده‌ها شرکت دیگر برای واردات چای فعالیت می‌کردند این گمان را به وجود آورده که این فساد ناشی از قصور نبوده و چه بسا عواملی در پشت صحنه به تحقق این فساد مالی چراغ سبز نشان داده‌اند. عواملی که ایرادات ساختاری را دستمایه فساد قرار داده و در هر ساختار معیوبی حضور دارند.

فساد جناح بندی سیاسی نمی‌شناسد

اگر الان گریزی به فسادهای مالی رخ داده در چند سال گذشته در کشور بزنیم و از افکار عمومی درباره فسادهای رخ داده مثل فساد ۳ هزار میلیاردی یا همان فساد مالی بابک زنجانی، ماجرای گم شدن دکل نفتی، فساد مالی اکبر طبری و مواردی اینچنینی بپرسیم، احتمالاً هنوز رخ دادن این فساد را در سیستم مدیریت کشور خوب به خاطر دارند اما شاید بتوان گفت چیزی که در خاطر افکار عمومی باقی نمانده این است که این فسادها در زمان مسئولیت کدام رئیس‌جمهور و با چه گرایشات سیاسی رخ داده است. آنچه مهم است این است که در چهارچوب برخی ضعف‌ها و قصورهایی که در نظام حکمرانی کشور وجود دارد این فسادها رخ می‌دهد. در واقع برای افکار عمومی این سوال وجود دارد که چرا در نظام حکمرانی کشور و با وجود تغییر و جابه جایی دولت‌ها و مسئولان همچنان شاهد بروز فسادهای مالی اینچنینی هستیم، اما به نظر می‌رسد آنچه بیش از همه برای مسئولان کشور اهمیت دارد، سرگردان خوردن فسادهای مالی رخ داده و انداختن تقصیر آن به گردن دولت یا مسئولان سابق است. امری که اینجان نادیده گرفته می‌شود، برداشتی است که افکار عمومی از فساد رخ داده دارند. مسأله اصلی این است که این موضوع در سیستم مدیریتی کشور اتفاق افتاده است و تکرار هرباره آن ضربه تازای به اعتماد مردم وارد می‌کند.

شنیدن اخبار فساد

برای افکار عمومی عادی می‌شود؟

امری که اکنون منجر به واکنش منفی افکار عمومی به انتشار خبر این فساد مالی شده است این است که چرا اساساً ساختار و فرآیندی شکل می‌گیرد که در آن چهارچوب شاهد رخ دادن یک فساد مالی باشیم. امری که نشان می‌دهد رخ دادن آن نیز بروی‌نمای رانت و در نظر گرفتن قواعد درست و لازم در این ماجرا اتفاق افتاده است. در حال حاضر مهم‌ترین پرسش این است که بروی‌نای چه سازوکاری ۷۹ درصد از ارز مورد نیاز برای واردات چای به یک گروه تجاری اختصاص پیدا کرده است. طبیعی است که اولین قدم در مواجهه با وقوع چنین تخلفی عزم جدی نهادها و دستگاه‌های مسئول برای برخورد با این فساد مالی است. اما به عنوان مهم‌ترین اقدام باید احیای اعتماد از دست‌رفته در دستورکار قرار گیرد. مهم‌ترین اقدام برای امر اصلاح فرآیند معیوب و گزارش دقیق از این اقدام به افکار عمومی است.

ارز ترجیحی مقصرو وقوع فسادهای مالی؟

نکنه دیگری که فارغ از اهمیت و پرباشت افکار عمومی درباره ماجرای فساد مالی یک گروه تجاری مورد توجه قرار دارد موضوع اختصاص ارز ترجیحی به برخی کالاهاست. این امر پیش از این مطرح می‌شد که اساساً اختصاص ارز ترجیحی برای تأمین برخی کالاها خود زمینه ایجاد فساد را فراهم می‌کند و لازم است تا ارز ترجیحی حذف شود. درحالی‌که نمی‌توان این گزاره را چندان درست و دقیق دانست و صرفاً علت وقوع این فسادها را اختصاص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی دانست؛ چراکه این موضوع امری منطقی به نظر می‌رسد که می‌بایست برای کنترل قیمت کالاهای اساسی که وارد می‌شوند نرخ و میزانی مشخص کرد تا قدرت خرید تمام اقشار جامعه مخصوصاً دهک‌های پایین کنترل شود. امری که می‌توان گفت در تمام کشورهای دنیا نیز معمول است و طبیعی است که به‌اعمال سیاست‌هایی مثل اختصاص یارانه برای خرید کالاهای اساسی پرداخته شود. بر این اساس نمی‌توان این موضوع را پذیرفت که صرف اختصاص یارانه برای خرید برخی کالاهای اساسی خودبه‌خود زمینه بروز فساد را فراهم می‌کند و آنچه در این میان مورد توجه قرار دارد و محل نقد نیز هست فساد و رانت‌هایی است که به بهانه اختصاص ارز ترجیحی در این چهارچوب صورت می‌گیرد. نیاز است سازوکارهای مشخص، دقیق و شفاف برای اختصاص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی در نظر گرفته شود تا بستری برای وقوع تخلف و فساد در این رابطه از جانب نهاد‌های مسئول صورت نگیرد.

رهبر انقلاب در دیدار با رئیس‌جمهور کوبا تأکید کردند

لزوم تشکیل ائتلاف ضدآمریکایی



مواضع دولت کوبا دانست و گفت: «روابط ایران و کوبا، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مسیر صحیحی قرار داشته و در گفت‌وگوهای خود در تهران تمام تلاش‌ها را برای تعمیق این روابط به‌ویژه در حوزه اقتصادی و تجاری متمرکز کردیم.»

رئیس‌جمهور کوبا با تأکید بر اینکه دو کشور می‌توانند در زمینه‌های مختلف به‌خصوص در مقابله با اقدامات مداخله‌جویانه و تحریم‌های آمریکا و متحدانش مکمل یکدیگر باشند، افزود: «ایران و کوبا همچنین می‌توانند در همکاری‌های بین‌المللی، ارتباطات خود را بیش‌ازپیش

افزایش دهند و در مسائل مهم جهانی همچون فلسطین تأثیرگذار باشند.» میگل دیاز کانل درمورد قضایای فلسطین و غزه گفت: «آنچه امروز در غزه اتفاق می‌افتد یک نسل‌کشی غیرقابل قبول است و سازمان‌های بین‌المللی چشمان خود را در برابر کشتار ده‌ها هزار نفر از مردم غزه که دوسوم آنها کودکان و زنان هستند، بسته‌اند و تعجب‌آور این است، کسانی که از جنگ اوکراین و روسیه و کشتار غیرنظامیان دانما شکایت می‌کردند اکنون در برابر کشتار ده‌ها هزار نفر در غزه سکوت کرده‌اند و این نشان‌دهنده وضع بسیار بد جهان است.»

۶ کلان‌پروژه دولت سیزدهم

اساسی‌را از طریق کالا برگ محقق کند. این امر اگرچه با حدود یک‌سال تأخیر محقق شد اما طور که معاون وزیر کار گزارش داده تاکنون بیش از ۲۷ میلیون نفر از مواهب طرح بهره‌مند شده‌اند و کالای اساسی مورد نیاز خود را از طریق کالا برگ دریافت کرده‌اند. این طرح اگرچه به‌طور کامل متناسب با برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته پیش‌رفته اما این امید را ایجاد کرده است که بار دیگر شاهد آب رفتن رهن روزه یارانه‌های نقدی و تبدیل شدن به مستمسک تسمخر سیاست‌های اقتصادی نباشیم و طرح هدفمندسازی یارانه‌ها متناسب با زمان اصلاح و به‌روزرسانی شود.

تلاش برای بهبود بحران مسکن

بخش عمده بحرانی‌را که کشور درحال حاضر در حوزه مسکن با آن مواجه است، می‌توان تا نظر به اقدامات و سیاست‌های دولت‌های یازدهم و دوازدهم دانست. صحبت‌های عباس آخوندی، وزیر وقت راه و شهرسازی شاهد مثال خوبی برای این مدعاست. افتخار آخوندی به اینکه حتی یک مسکن مهر هم افتتاح نکرده، نشان می‌داد که سیاست دولت سابق در حوزه مسکن، ساخت و دخالت در مدیریت اوضاع مسکن نبوده است، علی‌رغم کنار گذاشتن سیاست ساخت مسکن دولت هیچ اقدام قابل‌توجه جایگزینی برای کنترل قیمت مسکن در دستورکار قرار نداد. دولت سیزدهم اما از همان ابتدا این امر را به‌طور مشخص بیان کرد که ساخت و تحویل مسکن یکی از سیاست‌های دولت در این حوزه است. در دوسالی که از عمر دولت می‌گذرد برای اجرایی‌سازی آن اقدامات قابل‌توجهی انجام شده است با وجود این اما تحقق وعده ساخت چهارمیلیون مسکن درطول عمر چهارساله دولت که رئیس‌جمهور بارها بر آن تأکید کرده‌اند در هاله‌ای از ابهام است که باید دولت پاسخ افکار عمومی را در باره موانع اجرایی شدن این سیاست بدهد و افکار عمومی را در باره علل عدم تحقق کامل این وعده توجیه کند. با وجود تمام نواقص اهتمام دولت سیزدهم نسبت به مسأله مسکن و تلاش برای ساخت و تحویل پروژه‌های انبوه، امری است که اثرات مثبت خود را در زندگی مردم نشان و میزان رضایت عمومی نسبت به عملکرد دولت را نیز افزایش می‌دهد.

طرح مدیریت هوشمند یارانه آرد و نان

عدم مدیریت شیوه توزیع آرد باعث شده بود کسری علی‌رغم تلاش‌ها برای خودکفایی در زمینه تأمین گندم همواره نیازمند به واردات باقی بماند. تخصیص بی‌ضابطه آرد یارانه‌ای به نانوایی‌ها بستری گسترده برای فساد اقتصادی نانوائی داران را فراهم آورده بود. بسیاری از نانوائی‌ها آرد یارانه‌ای دریافت می‌کنند و آن را خارج از شبکه تولید و توزیع قانونی نان به فروش می‌رسانند. کارخانه‌های تولید محصولات وابسته به آرد گندم و نیز مجتمع‌های تولیدکننده نان فانتزی ازجمله خریداران آرد یارانه‌ای بوده و از این طریق سودهای کلانی را به‌دست می‌آورند. عدم نظارت به شبکه توزیع همچنان زمینه را برای قاچاق هرچه بیشتر آرد و نان به خارج از کشور فراهم آورده است. اجرای طرح مدیریت هوشمند یارانه آرد و نان تا حد زیادی شبکه توزیع را نظارت‌پذیر و قابل برنامه‌ریزی می‌کند. اگرچه با وجود اجرای این طرح همچنان مسأله توزیع آرد خارج از شبکه به‌طور کامل حل نشده اما امید می‌رود با آسیب‌شناسی و رفع نواقص موجود اثرات این طرح نیز بیش از پیش آشکار شود. مسأله مهم در این باره این است که دولت با درک آسیب‌های تداوم رویه غلط در توزیع آرد عزم خود را برای اصلاح عملکرد جزم کرده است و ضمن توضیح مداوم به افکار عمومی در مسیر اصلاح حرکت می‌کند.

اصلاح نظام مالیاتی

کاهش وابستگی بودجه عمومی به درآمدهای نفتی باعث می‌شود این درآمدها برای اجرای طرح‌های عمرانی و زیرساختی ذخیره و درجهت

توسعه هرچه بیشتر کشور به کار گرفته شوند. این مهم زمانی محقق می‌شود که منابع جایگزینی برای تأمین بودجه عمومی پیش‌بینی شود، مالیات مهم‌ترین منبع درآمدی دولت برای اداره کشور است که در تمام دنیا به رسمیت شناخته شده است. بهره‌مندی از این مهم در ایران اما خیلی جا نیفتاده است. مطابق آمارهای بین‌المللی از مالیات ستانی ۱۰۹ دولت جهان دولت ایران جزء کم عایدترین دولت‌ها از این محل بوده و ۹۴ کشور مالیات بیشتری نسبت به ایران دریافت می‌کنند. نسبت درآمد مالیاتی دولت ایران به تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۱ تنها ۸٫۱ درصد بوده و این رقم فقط از ۱۴ دولت جهان کمتر بوده است. دولت کویت کمترین درآمد مالیاتی در میان کشورهای جهان را دارد و دولت دانمارک با سهم ۴۳ درصدی بیشترین مالیات را از شهروندان خود اخذ می‌کند. اختلاف فاحش در افزایش درآمدهای مالیاتی معقول بار بودجه را به منابع درآمدی حاصل از فروش نفت تحمیل کرده و سرعت گردش چرخش پروژه‌های عمرانی را کاهش داده است. دولت سیزدهم برای اصلاح این رویه ایده‌هایی همچون کسب مالیات از خانه‌های خالی، خانه‌ها و خودروهای لوکس را در دستور کار قرار داده است. اگرچه ایرادهای اساسی به اجرای این طرح‌ها وارد است و منابع حاصل از محل این درآمدها چشمگیر نبوده اما به‌مرور با آسیب‌شناسی در مسیر اجرای این طرح‌ها هم می‌توان منابع دولت را افزایش داد و هم میزان دریافت مالیات را از مودیان عادلانه‌تر کرد. ایده‌های همچون دریافت مالیات از خانه‌های خالی علاوه‌بر اینکه بار تحمیل شده به درآمدهای نفتی را کاهش می‌دهد بر کاهش قیمت مسکن نیز از طریق افزایش میزان عرضه در بازار معامله، رهن و اجاره اثر می‌گذارد.

اصلاح سن بازنشستگی

پایین بودن سن بازنشستگی علاوه‌بر اینکه نیروی آماده به فعالیت و تجربه را به‌سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق می‌دهد، دستگاه‌ها را ناگزیر می‌کند تا برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود بر تعداد نیروهای تازه‌کار و کم‌تجربه خود بیفزایند که این مسأله طبعاً بازدهی سازمان را نیز کاهش می‌دهد. ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی دیگر آسیب این مسأله است. هرچه این سن پایین‌تر باشد افراد بیشتری بازنشسته می‌شوند و صندوق موظف می‌شود منابع محدود خود را به تعداد بیشتری اختصاص دهد. نتیجه این امر ورشکستگی صندوق وابستگی آن به بودجه عمومی است. درحالی‌که برخی کشورهای دنیا با افزایش سن امید به زندگی سن بازنشستگی را به عدد ۷۰ نزدیک کرده‌اند، میانگین سن بازنشستگی در ایران ۵۴ سال است. فاجعه زمانی بهتر درک می‌شود که بدانیم ۵۰ درصد ایرانیان پیش از موعد خود را بازنشسته می‌کنند. چنین آسیبی اصلاح سن بازنشستگی را به امری اجتناب‌ناپذیر برای جلوگیری از بحران‌های اجتماعی بلندمدت تبدیل کرده است که دولت و مجلس عزم آن را کرده‌اند.

مولدسازی دارایی‌های دولت

عریض و طویل بودن دستگاه‌های دولتی باعث شده حجم انبوهی از اموال و املاک در اختیار شرکت‌های دولتی و وزارتخانه‌ها قرار گیرد که فقدان ارزیابی از میزان آنها و همچنین نبود برنامه‌ریزی برای بهره‌وری آنها را از فرآیندها خارج کرده است. این مسأله باعث شده برخی نیز از خلأ به وجود آمده بهره ببرند و اموال دولتی را سال‌ها مورد استفاده شخصی قرار دهند. مولدسازی دارایی‌هایی دولت باعث می‌شود نسبت به اموال عمومی اشراف دقیقی به‌وجود بیاید و این منابع در راستای انتفاع تمام مردم مورد واگذاری یا استفاده قرار گیرد، لذا اتخاذ این راهبرد بالذات شایسته تقدیر است اما به این شرط که مولدسازی صرفاً به‌معنای واگذاری معنی نشود و در موارد لازم واگذاری ضابطه‌مند و دقیق باشد تا خود زمینه رانت و فسادی دیگر را فراهم نکند.